



پژوهشکده شورای نگهبان



گزارش کارشناسی

پرونده‌های دیوان عدالت اداری

در خصوص:

بند ۱-۷ دستورالعمل صندوق تأمین آتیه کارکنان صنعت
نفت و بند ۴ طرح تأمین آتیه بازنشستگان از مجموعه
مقررات اداری و استخدامی کارمندان وزارت نفت.»

کد گزارش: ۹۸۰۱۰۰۱

تاریخ انتشار: ۱۳۹۸/۰۱/۱۹

پژوهشکده شورای نگهبان

شناسنامه گزارش

گزارش کارشناسی پرونده‌های دیوان عدالت

اداری

موضوع:

بند ۱-۷ دستورالعمل صندوق تأمین آتیه کارکنان
صنعت نفت و بند ۴ طرح تأمین آتیه بازنشستگان از
مجموعه مقررات اداری و استخدامی کارمندان وزارت
نفت.»

تهیه و تنظیم:

علی فتاحی

نظارت:

سید محمدهادی راجی

سیدمجتبی حسینی پور

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

گزارش کارشناسی پرونده‌های استعلامی دیوان عدالت اداری

موضوع شکایت: بند ۱-۷ دستورالعمل صندوق تأمین آتیه کارکنان صنعت نفت و بند ۴ طرح تأمین آتیه بازنشستگان از مجموعه مقررات اداری و استخدامی کارمندان وزارت نفت.»

شاکی: آقای سید مجید روحانی

طرف شکایت: وزارت نفت

جهت مغایرت شرعی: قاعده فقهی الناس مسلطون علی اموالهم

شماره و تاریخ نامه دیوان: ۹۷۰۷۰۱۷ - ۱۳۹۷/۸/۲۸

مقدمه

شاکی در دادخواست خود تقاضای ابطال بند «۱-۷» دستورالعمل صندوق تأمین آتیه کارکنان صنعت نفت و بند «۴» طرح تأمین آتیه بازنشستگان از مجموعه مقررات اداری و استخدامی کارمندان وزارت نفت را داشته است. طبق بندهای مذکور:

«۱-۷- وجوه متعلقه به بازماندگان کارکنان متوفی به‌عنوان مساعدت و با توجه به جنبه‌های انسانی و عاطفی و به‌منظور دلجویی کسانی که سرپرست خود را از دست داده‌اند پرداخت می‌شود و جزء ماترک محسوب نمی‌گردد. وجود پرداختی به بازماندگان کارکنان متوفای متأهل در موارد فوت عادی و

یا ناشی از بیماری‌های غیرحرفه‌ای و حوادث ناشی از کار بر اساس سهم‌الارث مندرج در گواهی حصر وراثت صادره از مراجع قضایی و قانونی و صرفاً به پدر و مادر (تحت تکفل) و همسر/ همسران و فرزندان/ فرزندان پرداخت می‌شود.

۴- نحوه‌ی تقسیم غرامت به بازماندگان: وجوه متعلقه به بازماندگان جزء ماترک آن‌ها محسوب نمی‌گردد و تسهیم آن به بازماندگان بر اساس سهم‌الارث مندرج در گواهی حصر وراثت فقط به همسر/ همسران و فرزندان/ فرزندان و همچنین پدر و مادر تحت تکفل صورت می‌گیرد.»

شاکی معتقد است این مقررات با موازین اسلامی به ویژه قاعده‌ی فقهی «الناس مسلطون علی اموالهم» و قواعد مربوط به ارث و ماترک مغایرت دارد. در ادامه پس از تبیین موضوع، ادله طرفین بررسی می‌شود.

شرح و بررسی

الف) تبیین موضوع:

وزارت نفت صندوقی را تحت عنوان «صندوق تأمین آتیه کارکنان صنعت نفت» ایجاد کرده و ماهانه از کارکنان و بازنشستگان خود مبالغی را دریافت می‌کند و در صورت وقوع حوادث، از کارافتادگی یا فوت آنها مبالغی را به اشخاص معین می‌پردازد. در دستورالعمل مربوطه مقرر شده که در صورت فوت شخص، وجوه مزبور صرفاً به والدین تحت تکفل وی و همسر و فرزندان او پرداخت می‌شود و این وجوه نیز جزء ماترک او محسوب نمی‌شود، هرچند طبق قواعد ارث میان آنها تقسیم می‌شود. البته شخص می‌تواند اشخاص دیگری غیر

از افراد فوق را نیز به عنوان افراد ذینفع مشخص نماید. ثمره این مقررات این است که اشخاصی که وراث آنها از اشخاص فوق نیستند، از دریافت وجوه مذکور محروم می‌شوند.

شاکی معتقد است حصر ذینفعان قانونی در موارد مذکور و عدم احتساب وجوه مذکور به عنوان ماترک، مغایر موازین شرعی و قانونی است. طرف شکایت نیز به این امر پاسخ داده است. در ادامه ادله طرفین ذکر می‌شود.

ب) استدلال‌های شاکی:

شاکی بر اساس گواهی حصر وراثت به‌عنوان برادر، تنها وارث کارمند متوفی وزارت نفت محسوب می‌شود که مستند به بندهای «۷-۱» دستورالعمل صندوق تأمین آتیه کارکنان صنعت نفت و بند «۴» طرح تأمین آتیه بازنشستگان از مجموعه مقررات اداری و استخدامی کارمندان وزارت نفت به ویژه عبارت «وجوه متعلقه ... جزء ماترک محسوب نمی‌گردد.» و عبارت «... صرفاً به پدر و مادر (تحت تکفل) و همسر / همسران و فرزندان / فرزندان پرداخت می‌شود.» از دریافت وجوه پرداختی صندوق آتیه‌ی وزارت نفت محروم مانده است. از همین رو مدعی است دستورالعمل‌های ذکر شده به استناد ادله‌ی زیر مغایر با قانون اساسی، موازین اسلامی و قانون مدنی است:

۱- مغایرت با موازین اسلامی: بر اساس اصول مختلف قانون اساسی خصوصاً اصل چهارم، باید موازین اسلامی در تمام قوانین و مقررات رعایت شود. به استناد قواعد فقهی «ید» و قاعده‌ی «الناس مسلطون علی اموالهم» هر شخصی می‌تواند در ارتباط با

اموالی که دارد سلطه و استیفای لازم را اعمال کند. تحدید وراثت به همسر، فرزندان، پدر و مادر که از طرف صندوق تأمین آتیه کارکنان نفت اعلام شده مانع استیفای حقوق سایر وراثت می‌شود. به بیان دقیق‌تر غیر از افراد ذکر شده در متن دستورالعمل چنانچه کارمند متوفای تحت پوشش این صندوق دارای ورثه‌ای غیر از همسر، فرزند و پدر و مادر باشد امکان استیفای این حق شرعی را نخواهد داشت.

۲- مغایرت با قانون مدنی: بنابر الزامات مذکور در قانون مدنی در خصوص موضوع ارث، ماترک به کلیه‌ی اموال موجود متوفی پس از فوت اطلاق می‌گردد که این اموال شامل اموال منقول، غیرمنقول و وجوه بانکی و حساب‌های شخصی متوفی می‌باشد. در حالی که دستورالعمل ذکر شده با مواد متعددی از قانون مدنی مغایر می‌باشد.

قصد و نیت و اراده‌ی حقیقی کارمند متوفی، بهره‌مندی وراثت از اموال او است و در صورت عدم تعیین تکلیف در زمان حیات، وراثت مندرج در گواهی انحصار وراثت در زمان وفات، بر اساس قواعد ارث صاحب ماترک خواهند بود، در حالی که دستورالعمل‌های ذکر شده، بر خلاف این عمل کرده است.

لازم به ذکر است سرمایه‌ی صندوق آتیه حاصل کسر حقوق ماهیانه از کارمندان شرکت نفت بوده که به مرور زمان به صندوق واریز شده است و با فوت کارمند ذیل ماترک وی قرار می‌گیرد؛ بر این اساس خروج این وجوه از دایره‌ی ماترک فرد فاقد وجهت شرعی و قانونی است.

ج) استدلال‌های مشتکی‌عنه:

شرکت ملی نفت در جوابیه‌های متعددی اقدام به پاسخ‌گویی به مستندات و مدعیات شاکی نموده است. در این راستا طرف شکایت ابتدا به بیان مقررات ناظر بر صندوق‌های آتیه کارکنان صنعت نفت می‌پردازد و سپس ادله‌ی حقوقی ناظر بر قانونی و شرعی بودن این مقررات را بیان می‌دارد.

۱. مقررات ناظر بر صندوق‌های آتیه کارکنان صنعت نفت

۱.۱. مقررات مذکور در «مقررات اداری و استخدامی صنعت نفت در

خصوص صندوق تأمین آتیه کارکنان صنعت نفت»:

بر اساس بخش ۳-۹ از فصل نهم مقررات اداری و استخدامی صنعت نفت «هدف از تشکیل این صندوق» حمایت از اعضای شاغل در قبال حوادث و سوانح منجر به نقص عضو و یا از کارافتادگی کلی دائم آن‌ها و نیز مساعدت به بازماندگان کارمندان متوفی در اثر حوادث ناشی و غیرناشی از کار و بیماری‌های حرفه‌ای و غیرحرفه‌ای و فوت عادی می‌باشد. بر اساس جزء «الف» بند ۲ این قسمت، کارمندان رسمی، پیمانی و قراردادی که در سازمان استخدام شده و یا می‌شوند و حق مشارکت را پرداخت می‌کنند، به عنوان عضو صندوق محسوب می‌شوند.

بر اساس تبصره ذیل بند «۳» این قسمت سرمایه‌ی صندوق متعلق به صندوق‌های بازنشستگی، پس‌انداز و رفاه کارکنان صنعت نفت است و هیچ‌گونه وجهی از سرمایه‌ی مذکور به کارمندان بازپرداخت نمی‌شود. علاوه بر این صندوق صرفاً متعهد به پرداخت‌های مندرج در این مقررات به افراد واجد شرایط دریافت غرامت است. در این راستا بند «۵» از قسمت ۳-۴ این

مقررات بیان می‌دارد: «وجوه متعلقه به بازماندگان کارکنان متوفی به‌عنوان مساعدت و با توجه به جنبه‌های انسانی و عاطفی و به‌منظور دلجویی کسانی که سرپرست خود را از دست داده‌اند پرداخت می‌شود و جزء ماترک محسوب نمی‌گردد. وجود پرداختی به بازماندگان کارکنان متوفای متأهل در موارد فوت عادی و یا ناشی از بیماری‌های غیرحرفه‌ای و حوادث ناشی از کار بر اساس سهم‌الارث مندرج در گواهی حصر وراثت صادره از مراجع قضایی و قانونی و صرفاً به پدر و مادر (تحت تکفل) و همسر/ همسران و فرزند / فرزندان پرداخت می‌شود.»

۱،۲. مقررات اداری و استخدامی صنعت نفت در خصوص طرح تأمین آتیه‌ی بازنشستگان:

قسمت ۴-۹ از فصل نهم مقررات اداری و استخدامی صنعت نفت به موضوع طرح تأمین آتیه‌ی بازنشستگان این نهاد تعلق گرفته و هدف از این طرح را بیمه نمودن کارکنان بازنشسته به‌منظور مساعدت به آن‌ها در زمان فوت کارمند می‌داند. بر این اساس کلیه کارمندانی که طبق مقررات بازنشستگی صنعت نفت بازنشسته شده‌اند، پس از بازنشستگی به‌عنوان عضو صندوق محسوب می‌گردند مگر آن‌که قبل از بازنشستگی و در مهلت مقرر کتباً انصراف خود را اعلام نمایند.

سهم کارمندان بازنشسته به میزان یک‌وشش دهم مستمری آن‌ها است که هر ماهه به نسبت مساوی از کارفرما و مستمری کارکنان بازنشسته اخذ می‌شود. در صورت فوت کارمند بازنشسته نیز جوه متعلقه به بازماندگان جزء ماترک آن‌ها محسوب نمی‌گردد و تسهیم آن به بازماندگان بر اساس سهم‌الارث مندرج در

گواهی حصر وراثت فقط به همسر/ همسران و فرزند / فرزندان و همچنین پدر و مادر تحت تکفل صورت می‌گیرد. هر چند کارمندان بازنشسته می‌توانند در زمان حیات خود با تنظیم اقرارنامه رسمی در دفاتر اسناد رسمی وجوه استحقاقی خود را به هر فرد حقیقی یا حقوقی دیگر واگذار نمایند.

۲. ادله‌ی حقوقی طرف شکایت

اولاً، مقررات ناظر بر صندوق تأمین آتیه‌ی کارکنان صنعت نفت فارغ از مبانی حقوق مدنی در خصوص ارث بوده و بر اساس ملاحظات حاکم بر قوانین و ارزیابی‌ها و محاسبات بیمه‌ای تدوین می‌یابد. از همین رو دارای ماهیتی متفاوت از ماهیت ماترک فرد متوفی است، چرا که:

۱- وجوه پرداختی به اشخاص مشتمل بر وجوه سهم کارمند، کارفرما و وجوه ناشی از محل به‌کار انداختن این سرمایه به‌وسیله‌ی صندوق است و قیاس آن با ماترک فرد فاقد وجهت است.

۲- صندوق تأمین آتیه صنعت نفت با هدف حمایت از اعضای شاغل (در قبال حوادث و سوانح و یا بیماری‌های حرفه‌ای و غیر حرفه‌ای و یا فوت عادی) و بازنشسته صنعت نفت به‌منظور مساعدت به بازماندگان متوفی مستند به مصوبات هیئت مدیره شرکت ملی نفت ایران و در چارچوب ضوابط و مقررات اداری و استخدامی صنعت نفت تدوین شده است.

۳- هدف از صندوق تأمین آتیه دوراندیشی و تأمین آتیه اعضای خانواده کارکنان صنعت نفت بوده و بر مبنای ماده ۲۴ قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶ این وجه هنگامی قابل پرداخت به ورثه‌ی قانونی

است که در زمان عقد بیمه و یا بعد از آن در سند بیمه قید دیگری برای نحوه پرداخت ذکر نشده باشد. در حالی که بر اساس مقررات مورد اشاره این سرمایه به معنای ماترک متوفی مشمول مقررات ارث نیست و برابر با ضوابط مورد پذیرش کارکنان مورد تقسیم قرار می‌گیرد و نه مطابق با قواعد قانون مدنی. به بیان دقیق‌تر موضوعات مرتبط با بیمه عمر در زمره موضوعات قراردادی است و این قرارداد است که تعهدات هر یک از طرفین را مشخص می‌کند.

ثانیاً، عضویت کارکنان و بازنشستگان واجد شرایط صنعت نفت در طرح صندوق تأمین آتیه به معنای پذیرش و تبعیت آنان از کلیه قواعد و مقررات مربوطه است.

ثالثاً، مبتنی بر مقررات مربوط به صندوق تأمین آتیه‌ی کارکنان صنعت نفت، مشمولین در زمان حیات خود می‌توانند کل وجوه استحقاقی را از طریق اقرارنامه رسمی به اشخاص حقیقی یا حقوقی مد نظر خود واگذار نمایند.

رابعاً، بر خلاف ادعای شاکی، حسب نظر مراجع تقلید و مبتنی بر فتاوی موجود، موضوع بیمه عمر ارتباطی با موضوعات مرتبط با ارث نداشته و تابع قرارداد طرفین است.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

بر اساس آنچه در تبیین استدلال‌های شاکی و طرف شکایت بیان گردید، شاکی پرونده مدعی است که خروج وجوه متعلقه به کارکنان بازنشسته از

دایره‌ی ماترک متوفی و همچنین محدود نمودن وراثت به پدر و مادر (تحت تکفل) و همسر/ همسران و فرزند/ فرزندان متوفی مغایر با احکام و موازین اسلامی و قانونی می‌باشد. بررسی و تحلیل حقوقی این موضوع نیازمند به پاسخ‌گویی به چند سؤال است. اولاً آیا از نظر شکلی مقامات وضع‌کننده‌ی این دستورالعمل صلاحیت مقررہ‌گذاری در این حوزه را داشته‌اند یا خیر؟ ثانیاً از نظر ماهوی ماهیت بیمه‌های تأمین عمر چیست و آیا جوهی که از این بابت به بازماندگان پرداخت می‌شود، جزئی از ماترک متوفی را تشکیل می‌دهد؟ آیا امکان محدود نمودن دایره‌ی وراثت در بهره‌مندی از بیمه‌ی عمر وجود دارد یا خیر؟

در خصوص صلاحیت قانونی وضع این مقررہ باید بیان نمود که بر اساس ماده (۱۰) «قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت» مصوب ۱۳۹۱ «نظام‌های اداری و استخدامی و حقوقی و مزایای آن دسته از کارکنان وزارت نفت که در واحدهای عملیاتی و تخصصی شاغل می‌باشند، تابع آیین‌نامه خاصی است که بدون الزام به رعایت قانون مدیریت خدمات کشوری با رعایت سایر قوانین و مقررات مربوطه ... به تصویب رییس جمهور می‌رسد.» در این راستا آیین‌نامه‌ای تحت عنوان «آیین‌نامه نظام‌های اداری و استخدامی کارکنان صنعت نفت» در سال ۱۳۹۳ به تصویب رییس‌جمهور رسیده است. طبق ماده (۴۰) این آیین‌نامه مقررات اداری و استخدامی صنعت نفت که تا تاریخ تصویب این آیین‌نامه و در چارچوب مفاد آن مجری و ملاک عمل بوده است، کماکان قابلیت اجرا خواهد داشت و تغییرات و اصلاحات بعدی مقررات مذکور در چارچوب موازین و اصول کلی این آیین‌نامه پس از تصویب در شورای اداری و استخدامی مجری

می‌گردد. از جمله قوانینی که مستند به این ماده آیین‌نامه مجری اعلام شده است مجموعه مقررات اداری و استخدامی کارکنان صنعت نفت و مصوبات هیئت مدیره شرکت ملی نفت ایران در موضوعات اداری و استخدامی است.

بر این اساس به نظر می‌رسد مبتنی بر ماده (۴۰) «آیین‌نامه نظام‌های اداری و استخدامی کارکنان صنعت نفت» که مقررات سابق در حوزه‌ی اداری و استخدامی را مجری دانسته است، مفاد بند ۵ مصوبه هیئت مدیره شرکت ملی نفت ایران با موضوع مقررات صندوق آتیه‌ی کارکنان صنعت نفت ایران و دستورالعمل اجرایی آن مصوب اداره کل تدوین و هماهنگی مقررات اداری و استخدامی وزارت نفت در چارچوب قوانین لازم‌الاجرا بوده و مغایرتی با موازین قانونی و حقوقی ندارد.

در خصوص ماهیت قراردادهای بیمه‌ی عمر و یا تأمین آتیه باید بیان نمود که این قسم از بیمه‌ها قرارداد و عقود است که به موجب آن بیمه‌گر در مقابل دریافت حق بیمه‌ی مقرر شده، تعهد می‌کند مبلغی را به صورت یکجا و یا در قالب مستمری به بیمه‌گذار و یا شخص ثالثی که او مشخص نموده است واگذار نماید. زمان ایفای این تعهد ممکن است در زمان حیات بیمه‌شده و یا بعد از فوت او باشد. از همین‌رو ارکان این عقد عبارتند از کسی که جبران خسارت را در بیمه تعهد می‌کند (بیمه‌گر)؛ شخصی که قرارداد بیمه را با بیمه‌گر می‌بندد و حق بیمه‌ی مقرر را پرداخت می‌کند (بیمه‌گذار)؛ شخص یا اشخاصی که بیمه‌گر متعهد است سرمایه‌ی بیمه را در صورت تحقق خطر موضوع بیمه به آنها بپردازد (استفاده‌کننده یا ذینفع). بر اساس آنچه بیان گردید عقد بیمه یکی از

عقود مستقل است^۱ که شرایط و قواعد خاص خود را دارد و قانون‌گذار برخی از این شرایط را در مواد ۲۳ تا ۲۷ قانون بیمه^۲ مصوب ۱۳۱۶ ذکر کرده است. در مورد ارتباط وجوه پرداختی به ذی‌نفعان و ارتباط آن با ماترک و ارث، باید بیان نمود که بر اساس بیمه تأمین آتیه یا بیمه عمر، پس از فوت بیمه‌گذار، وجهی توسط بیمه‌گر به ورثه‌ی قانونی و یا هر شخصی که در سند بیمه از او نام برده شده است، تعلق می‌گیرد. این وجه جزئی از ماترک نبوده و تابع قواعد ارث نمی‌باشد، چراکه قرارداد بیمه تأسیس حقوقی خاصی است که طبق قانون بیمه و قرارداد طرفین منعقد شده و بر اساس آن پس از فوت بیمه‌گذار، وجهی به افراد معینی پرداخت می‌گردد. ممکن است این افراد، همان ورثه فرد و یا غیر ایشان باشند. نحوه تقسیم وجوه مذکور نیز بر حسب قرارداد است. به بیان

۱. موسوی خمینی، سید روح الله، توضیح المسائل، ۱۴۲۶ هـ ق، ص ۶۱۲ «مسأله ۲۷۲۸. صحت اقسام بیمه، اجرای آن در قالب بعضی از عقود دیگر ظاهراً تمام اقسام بیمه صحیح باشد، با به کار بردن شرایطی که ذکر شد، چه بیمه عمر باشد، یا بیمه کالاهای تجارتي، یا عمارات یا کشتی‌ها و هواپیماها، و یا بیمه کارمندان دولت یا مؤسسات یا بیمه اهل یک قریه یا شهر، و بیمه عقد مستقلی است و می‌توان به عنوان بعضی عقود دیگر از قبیل صلح آن را اجرا کرد.»

۲. قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶: «ماده ۲۳- در بیمه عمر یا نقص یا شکستن عضوی از اعضاء بدن مبلغ پرداختی بعد از مرگ یا نقصان عضو باید بطور قطع در موقع عقد بیمه بین طرفین معین شود. بیمه عمر یا بیمه نقصان یا شکستن عضو شخص دیگری در صورتی که آن شخص قبلاً رضایت خود را کتباً نداده باشد باطل است. هرگاه بیمه‌گذار اهلیت قانونی نداشته باشد رضایت ولی یا قیم او شرط است. اگر بیمه راجع به عمر یا نقص یا شکستن عضو بدن جماعتی بطور کلی باشد میزان خسارت عبارت از مبلغی خواهد بود که مطابق تعرفه قبلاً بین طرفین معین می‌شود.»

ماده ۲۴- وجه بیمه عمر که باید بعد از فوت پرداخته شود، به ورثه قانونی متوفی پرداخته می‌شود مگر اینکه در موقع عقد بیمه یا بعد از آن در سند بیمه قید دیگری شده باشد که در این صورت وجه بیمه متعلق به کسی خواهد بود که در سند بیمه اسم برده شده است.

ماده ۲۵- بیمه‌گذار حق دارد ذی‌نفع در سند بیمه عمر خود را تغییر دهد، مگر آنکه آن را به دیگری انتقال داده و بیمه‌نامه را هم به منتقل‌الیه تسلیم کرده باشد.

ماده ۲۶- در تمام مدت اعتبار قرارداد بیمه عمر بیمه‌گذار حق دارد وجه معینه در بیمه‌نامه را به دیگری منتقل نماید. انتقال مزبور باید به امضاء انتقال‌دهنده و بیمه‌گر برسد.

ماده ۲۷- اثرات قانونی انتقال وجه بیمه عمر از تاریخ فوت بیمه‌شده شروع می‌شود، ولی اگر بیمه‌گذار از بابت آن وجهی دریافت کرده یا نسبت به آن با بیمه‌گر معامله نموده باشد، در کمال اعتبار خواهد بود.»

دقیق‌تر قرارداد بیمه‌ی تأمین آتیه یا همان بیمه‌ی عمر نوعی تعهد است که بیمه‌گذار در طول دوره‌ی حیات خویش وجوهی را در نزد بیمه‌گر قرار می‌دهد و بیمه‌گر نیز مکلف است تا در هنگام فوت بیمه‌گذار یا در زمان حیات وی وجوه متعلقه را به او یا هر فرد دیگری که او مشخص نموده است مطابق با سند بیمه تقدیم نماید و تعهد قانونی خود را انجام دهد.^۱

در خصوص پرداخت وجوه فوق به اشخاصی غیر از وراث، باید بیان نمود که بر اساس ماده ۲۴ قانون بیمه، اصل بر پرداخت وجوه به ورثه‌ی قانونی متوفی است، اما از آن‌جا که ماهیت این پرداخت خاص بوده و در چارچوب ماترک قرار نمی‌گیرد، بیمه‌گذار می‌تواند در زمان انعقاد قرارداد یا بعد از آن، به نحو دیگری عمل کرده و بیمه‌گر را متعهد نماید که وجوه را به اشخاص دیگری پرداخت نماید.^۲ بر این اساس چنان‌چه بیمه‌شده در سند بیمه، وجوه متعلقه را به فرد یا افراد مشخصی واگذار نموده باشد، باید مطابق با آن عمل نمود و حکم ترکه میت را ندارد و نیازمند به اجرای قواعد ارث نیست؛ در غیراین صورت وجوه همانند با قاعده‌ی ارث میان وراث تقسیم می‌گردد.^۳

۱. لازم به ذکر است که الگوی بیان‌شده که همان الگوی مد نظر در پرونده‌ی حاضر می‌باشد، یکی از الگوها و اقسام بیمه‌ی عمر می‌باشد.

۲. «سؤال: شرکت بیمه در ضمن قرارداد بیمه عمر که با بیمه‌گذار منعقد نموده، متعهد شده است که بعد از وفات بیمه‌گذار، مبلغی پول به کسانی که او معین می‌کند بپردازد. حال اگر این شخص بدهکار باشد و دارایی او برای پرداخت بدهی‌اش کافی نباشد، آیا طلبکاران حق دارند طلب خود را از مبلغی که شرکت بیمه پرداخت می‌کند بردارند؟

جواب: این امر تابع توافق آنان در قرارداد بیمه است. اگر قرار آنان بر این باشد که شرکت بیمه مبلغ مقرر را بعد از وفات بیمه‌گذار به شخص یا اشخاصی که او مشخص کرده بدهد، در این صورت آنچه شرکت می‌پردازد، حکم ترکه میت را ندارد، بلکه مختص کسانی است که برای دریافت این مبلغ مشخص شده‌اند.» (موسوی خمینی، سید روح الله، توضیح المسائل، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۲۴ هـ.ق، ج ۲، ص ۹۴۳)

۳. نظر مشورتی اداره حقوقی دادگستری به شماره ۷/۴۱۰۰ مورخ ۵۹/۹/۲۳ نیز مؤید نظر مذکور در متن است:

→

سؤال: آیا سرمایه بیمه عمر و خسارت فوت ناشی از حوادث رانندگی، مانند ترکه متوفی طبق قانون ارث بین وراثت تقسیم می‌شوند یا ترتیب دیگری برای تقسیم آنها وجود دارد؟

جواب: ترکه متوفی عبارتست از اموال و حقوق مالی شخص که حین فوت دارا بوده و همچنین تعهداتی که به نفع او در زمان حیاتش شده است. بنابراین خسارت فوت ناشی از رانندگی جزء دارائی و ترکه متوفی خواهد بود، چنانکه دیه نیز در حکم ترکه میت و اموال او می‌باشد، لذا تقسیم آن باید به موجب قواعد ارث صورت گیرد. اما در مورد سرمایه بیمه عمر، هرگاه قرارداد به‌طور مطلق تنظیم شده باشد، با توجه به اطلاق ماده ۲۴ قانون بیمه، چون این حق به ورثه قانونی تعلق خواهد گرفت، رعایت قاعد ارث الزامی است. لکن اگر در قرارداد بیمه ترتیب خاصی پیش‌بینی شده باشد باید وفق قرارداد عمل شود.»

امام خمینی (ره):

و از شورایی محترم نگهبان می‌خواهم و توصیه می‌کنم، چه در نسل حاضر و
چه در نسل های آینده، که با کمال دقت و قدرت و ظایف اسلامی و ملی خود
رایان و تحت تأثیر هیچ قدرتی واقع نشوند و از قوانین مخالف با شرع مطهر و
قانون اساسی بدون هیچ ملاحظه جلوگیری نمایند.

(سخن امام، ج ۲۱، ص ۴۲۲)



بزهشکده شورای نگهبان

تهران، خیابان شهید سپهبد قرنی، کوچه خسرو، پلاک ۱۲